



جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دستور خط فارسی

مصوب

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دستور خط فارسی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)

ناظر چاپ: سعید قانع

چاپ اول: خرداد ۱۳۸۱

شماره: ۱۰۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰ تومان

لیتوگرافی: صدف

چاپ: چاپخانه گلرنگ

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۱	مقدمه
۹	قواعد کلی
۹	۱. حفظ چهره خط فارسی
۹	۲. حفظ استقلال خط
۹	۳. تطابق مکتوب و ملفوظ
۱۰	۴. فراگیر بودن قاعده
۱۰	۵. سهولت نوشتن و خواندن
۱۰	۶. سهولت آموزش قواعد
۱۰	۷. فاصله گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه
۱۰	و درست خوانی
۱۱	ویژگیهای خط فارسی
۱۶	جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های اصلی)
۲۰	جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی (نشانه‌های ثانوی)
۲۱	املائی بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها
	ای (حرف ندا) ۲۱؛ این، آن ۲۱؛ همین، همان ۲۱؛ هیچ ۲۱؛ چه ۲۱؛
	را ۲۱؛ که ۲۱؛ این ۲۲؛ به ۲۲؛ بای زینت، نون نفی، میم نهی ۲۲؛
	بی ۲۲؛ می و همی ۲۲؛ هم ۲۳؛ تر و ترین ۲۳؛ ها (نشانه جمع) ۲۳.
۲۴	مجموعه ام، ای، است، ...

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

دستور خط فارسی / مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی - تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (نشر آثار)، ۱۳۸۱.

۵۶ ص. - (فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۱۶)

۳۰۰۰ ریال. شابک: ۳-۱۳-۷۵۳۱-۹۶۴-۱۳-۳ - ISBN: 964-7531-13-3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. خط فارسی. ۲. خط فارسی - تغییر. ۳. فارسی - املاء. الف. عنوان.

۴ د ۵ / ۲۷۲۱ / PIR ۱/۷

کتابخانه ملی ایران ۱۱۳۵۴ - ۸۱ م

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

خط چهرهٔ مکتوب زبان است و همان‌گونه که زبان از مجموعهٔ اصول و قواعدی به نام «دستور زبان» پیروی می‌کند، خط نیز باید پیرو اصول و ضوابطی باشد که ما مجموع آن اصول و ضوابط را «دستور خط» نامیده‌ایم. خط فارسی، به موجب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خط رسمی کشور ماست و کلیهٔ اسناد رسمی و مکاتبات و کتابهای درسی باید به این خط نوشته شود و طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابطی معلوم و مدوّن داشته باشد تا همگان، با رعایت آنها، هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ دارند. تدوین مجموعهٔ قواعد و ضوابط خط فارسی، مخصوصاً در سالهای اخیر که استفاده از رایانه در عرصهٔ خط و زبان روزافزون شده و حروفچینی و صفحه‌آرایی و ویرایش و نمونه‌خوانی و تهیهٔ نمایه و کارهای بسیار دیگری در حوزهٔ نگارش و چاپ بر عهدهٔ رایانه قرار گرفته و در نتیجه دایرهٔ شاغلان به امر چاپ و تکثیر از حلقهٔ متخصصان سنتی این فن بسی فزاینده و فراخ‌تر شده، ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا کرده است، چنان‌که نگرانی از خطر بروز تشتت و اعمال سلیقه‌های مختلف و متضاد نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است.

۲۵	ضمایر ملکی و مفعولی
۲۶	یای نکره و مصدری و نسبی
۲۷	کسره اضافه
۲۸	نشانهٔ همزه
۲۸	همزهٔ میانی
۲۹	همزهٔ پایانی
۳۱	جدول ۳. راهنمای کتابت همزه

۳۴	واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی ة- ۳۴؛ و- ۳۵؛ الف کوتاه ۳۵
----	--

۳۶	تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری، هجای میانی «-وو-»
----	---

۳۸	ترکیبات
۳۸	الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود
۴۰	ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود

۴۳	واژه‌هایی با چند صورت املائی
۴۳	فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار
۵۰	فهرست اعلام دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

در باب دستور خط فارسی، همواره اختلاف سلیقه و مشرب وجود داشته است؛ بعضی طرفدار بازگذاشتن دست نویسنده در انتخاب شیوه نگارش بوده و حداکثر جواز و رخصت را تجویز می کرده اند و بعضی دیگر، برعکس، گرایش به وضع قوانینی عام و قطعی و تحلف ناپذیر داشته و آرزو می کرده اند که در عالم خط و کتابت نیز قوانینی شبیه قوانین حاکم بر علایم ریاضیات حاکم باشد. از جهتی دیگر، برخی از اهل فن معایب و مشکلات موجود در خط فارسی را تا آن اندازه فراوان و جدی دانسته اند که رفع آنها را جز با افزودن و درکار آوردن حروف و علایم جدید میسر نمی شمرده اند و گروهی دیگر کمترین تحول و تبدیلی را در خط فعلی نپذیرفته و آن را به زبان زبان می دانسته اند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران، به حکم وظیفه ای که بر حسب اساسنامه خود در پاسداری از زبان و خط فارسی برعهده دارد، از همان نخستین سالهای تأسیس، در صدد گردآوری مجموع قواعد و ضوابط خط فارسی و بازنگری و تنظیم و تدوین تصویب آنها برآمد و در این کار راه میانه را برگزید و کوشید تا در تدوین «دستور خط فارسی» اعتدال را رعایت کند. نخستین بار، در سال ۱۳۷۲، به ابتکار جناب آقای دکتر حسن حبیبی، ریاست وقت فرهنگستان، کمیسونی به مدیریت دکتر علی اشرف صادقی و سپس استاد احمد سمیعی، اعضای پیوسته فرهنگستان، تشکیل شد.^۱ این کمسیون، با تشکیل جلسات متعدّد، دستور خط پیشنهادی خود را به شورای

۱. اعضای این کمسیون عبارت بودند از آقایان دکتر محمدرضا باطنی (۱۶ جلسه، از ۷۲/۲/۷۲ تا ۷۲/۶/۳۰)، دکتر جواد حدیدی، دکتر علی محمد حق شناس، دکتر حسین داری، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، مرحوم دکتر جعفر شعار، دکتر علی اشرف صادقی (که تا جلسه مورخ ۲۸ دی ۱۳۷۲ شرکت داشتند و پس از آن به علت مسافرت برای استفاده از فرصت مطالعاتی در جلسه شرکت نکردند)، مرحوم دکتر مصطفی مقرّبی و استاد ابوالحسن نجفی.

فرهنگستان تسلیم کرد و شورا با دقت و کندوکاو و جدیت بسیار، طی ۵۹ جلسه، آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.^۱ نظر شورا همواره بر آن بود که در تدوین و تصویب مجموعه قواعد و ضوابط خط فارسی، از افزودن حرف و علامت جدید به مجموعه حروف و علایم موجود خط فارسی پرهیز کند و همان گونه که در ضمن نخستین اصل از قواعد کلی دستور خط مذکور در این دفتر آمده است، سعی کرد تا چهره خط فارسی حفظ شود. این اعتدال و احتیاط از آن جهت ضروری دانسته شد که، به اعتقاد اعضای فرهنگستان، خط اصولاً طبیعت و ماهیتی دارد بسی پیچیده تر از علایم علومى مانند ریاضیات، و توقع قانونمندی مطلق و قاطع از خط داشتن و راه را بر هرگونه استنباط و سلیقه بستن با این طبیعت ناسازگار است. علاوه بر این، فرهنگستان، در بررسی و تصویب قواعد و ضوابط خط فارسی، معتقد بوده است که تثبیت قواعد متعارف و کمابیش مرسوم خط فارسی، در اوضاع و احوال فعلی، ضروری تر و سودمندتر است از واردکردن حرف و علامتی جدید که ممکن است، با برانگیختن عقاید موافق و مخالف و صف آرای و جبهه گیری، به اصل مقصود که همانا تثبیت آن قواعد است لطمه جدی وارد کند.

۱. دستور خط فارسی در شورای فرهنگستان در دو شور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. شور اول جمعاً در ۴۱ جلسه (از ۷۴/۷/۳ تا ۷۶/۹/۳) و شور دوم در ۱۸ جلسه (از ۷۷/۲/۲۸ تا ۷۷/۹/۱۶) صورت گرفت. اعضای شورا در این جلسات عبارت بودند از: مرحوم استاد احمد آرام (فقط ۸ جلسه)، استاد عبدالحمّد آینی، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر احمد نفّیسی (۲۵ جلسه)، دکتر حسن حبیبی، دکتر غلامعلی حدّاد عادل، دکتر جواد حدیدی (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، استاد بهاء الدّین خرمشاهی، دکتر محمد خوانساری، دکتر علی روافی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، استاد احمد سمیعی، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر حمید فراز، سرکار خانم دکتر بدرالزمان فریب (۱۲ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، دکتر فتح الله مجتبابی (۷ جلسه، از ۷۷/۴/۸)، دکتر مهدی محقق، دکتر حسین معصومی همدانی (فقط ۱ جلسه)، مرحوم دکتر مصطفی مقرّبی (۵۰ جلسه)، استاد ابوالحسن نجفی. همچنین آقایان دکتر جواد حدیدی (تا جلسه ۱۴۴ مورخ ۷۷/۴/۸) و دکتر حسین داودی و مرحوم دکتر جعفر شعار نیز به عنوان صاحب نظر در این جلسات حضور داشتند.

فرهنگستان در پی آن بود که تا سرحد امکان خط فارسی را قانونمند و قاعده‌پذیر سازد تا از آشفتگی و هرج و مرج جلوگیری شود؛ اما از توجه به طبیعت خط به طور کلی و به ویژه طبیعت خط فارسی و نیز ذوق و سلیقه و پسند اهل فن غفلت نکرد و، هر جا اعمال قانون را موجب پدید آمدن فهرست بالابندی از استثناءها دید، از تصویب و تجویز آن خودداری کرد و، با رعایت انعطاف، میدان را برای ذوق و سلیقه باز گذاشت.

پس از آنکه با بررسیهای طولانی، اصلاحات لازم در پیشنهاد کمیسیون اولیه اعمال شد، مجموعه قواعد و ضوابط، پیش از تصویب نهایی، به صورت پیشنهاد در دفتری به نام «دستور خط فارسی»^۳ منتشر گردید و به حضور استادان و صاحب نظران و معلمان و نویسندگان و عموم کسانی که با شیوه نگارش و املاي خط فارسی سروکار دارند تقدیم شد تا با ملاحظه آن، رأی و نظر خود را اعلام کنند و اگر در آن نقص یا خطایی می‌بینند متذکر شوند.

بسیاری از مؤسسات علمی و صاحب نظرانی که آن متن پیشنهادی را دریافت کرده بودند از سر لطف در آن تأمل کردند و با ارسال آراء خود فرهنگستان را در تهذیب و تکمیل این قواعد و ضوابط یاری نمودند. در پایان مهلت مقرر، آراء رسیده، که بعضی متضمن اظهار نظرهای کلی و بعضی مشتمل بر جرح و تعدیل و نقد قواعد و ضوابط بود، برحسب نظم موجود در متن پیشنهادی، تفکیک شد و یکجا در مجموعه‌ای نسبتاً مفصل^۴ در اختیار اعضای شورای فرهنگستان قرار گرفت. شورا بار دیگر بررسی دستور خط فارسی را در دستور کار خود قرار داد و با ملاحظه همه اظهار نظرهای رسیده از سوی صاحب نظران و نیز اعضای پیوسته فرهنگستان، طی ده جلسه به بازنگری در متن پیشنهادی اولیه پرداخت و

۳ آقای دکتر سلیم نیساری قبلاً کتابی با همین عنوان به طبع رسانده‌اند: دستور خط فارسی،

سرانجام «دستور خط فارسی» را در جلسه دویست و یازدهم خود در تاریخ ۸۰/۴/۳۰ تصویب کرد و آن را برای تأیید و تنفیذ به حضور ریاست محترم جمهور و ریاست عالی فرهنگستان زبان و ادب فارسی جمهوری اسلامی ایران تقدیم کرد.

در این مقدمه، توجه خوانندگان را، پیش از آنکه به قواعد خط فارسی مذکور در این دفتر نظر کنند، به چند نکته جلب می‌کند:

۱. این مجموعه، در وهله اول، نه برای متخصصان زبان و ادبیات فارسی و زبان‌شناسان بلکه برای مخاطبانی نوشته شده است که با زبان فارسی در حد عموم باسوادان و تحصیل‌کردگان جامعه ما آشنایی دارند. به همین جهت، در نگارش آن سعی شده است تا از استعمال اصطلاحات و تعاریفی که فهم آنها تنها برای متخصصان میسر باشد خودداری شود و حتی الامکان از زبانی استفاده شود که برای عامه باسوادان به آسانی قابل درک باشد. همین امر ممکن است ناگزیر سبب شده باشد که گاهی از دقت مطلب کاسته شود و چون سهولت استفاده از قواعد و پرهیز از سنگینی و گرانباری مطالب اهمیت داشته است، از وضع قاعده برای بعضی از موارد استثنا خودداری شود، هر چند ممکن است متخصصان بتوانند در ضمن مباحث علمی خود با مشکافی برای آن استثناءها نیز قاعده یا قواعدی وضع کنند.

۲. در دهه‌های اخیر، بیشترین اختلاف نظر در باب شیوه املاي کلمات فارسی بر سر موضوع جدانویسی و یا پیوسته‌نویسی کلمات مرکب بوده است. فرهنگستان، چنان که گفته شد، در این باب راه میانه را برگزیده و کوشیده است تا فقط مواردی را که جدانویشتن و یا پیوسته‌نوشتن آنها الزامی است، تحت قاعده و ضابطه درآورد و شیوه نگارش باقی کلمات مرکب را به ذوق و سلیقه نویسندگان واگذار کند.

۳. همه مسائل و مشکلات خط فارسی در این دفتر مطرح نشده و آیینمذکردن اموری از قبیل نشانه‌گذاری یا سجاوندی و شیوه برگردان

کلمات خارجی به خط فارسی و یا کلمات فارسی به خط خارجی در این مجموعه قواعد مورد نظر نبوده است.

۴. شعر فارسی همه‌جا از قواعد و ضوابط عمومی دستور خط فارسی پیروی نمی‌کند و گهگاه به ضرورت، از قواعد دیگری پیروی می‌کند. این دستور خط نه برای شعر فارسی، بلکه برای نثر فارسی تدوین و تنظیم شده است، بنابراین در آینده می‌توان آن را با ضمیمه‌ای متناسب با شعر فارسی تکمیل کرد.

۵. سلیقه‌های خاص خطاطان، که از دیرباز در عرصه هنر خوشنویسی در نگارش خط فارسی مرسوم و معمول بوده، از دایره بحث و بررسی بیرون نهاده شده است.

۶. در بیان قواعد، چنان‌که در تدوین متون قانونی مرسوم و متداول است، از ذکر علت خودداری شده، اما در بیان موارد استثنا، سعی شده است تا علت استثنا بیان شود.

۷. برای روشن‌تر شدن مفاد قواعد، در ذیل هر قاعده شواهدی ذکر شده است. در مواردی که برای قاعده استثنایی مقرر گشته، فهرست بسته تمام موارد استثنا به دست داده شده و یا خود استثنا به صورت قاعده درآمده است.

۸. هر جا قاعده‌ای ذکر شده است، آن قاعده معمولاً با افزوده شدن اجزایی مانند «یای نسبت» و یا «های بیان حرکت» (های غیر ملفوظ) به آخر کلمه و، در نتیجه طولانی‌تر شدن املا کلمه، تغییر نمی‌کند. مثلاً اگر در نوشتن «همکار» به سبب تک‌هجایی بودن جزء دوم کلمه، حکم به اتصال دو جزء «هم» و «کار» داده شده است، این حکم با افزوده شدن «ی» در کلمه «همکاری» نیز اعمال می‌شود.

۹. سعی شده است که «دستور خط فارسی» با جدول‌های متعدد و مفصلی همراه گردد تا دستیابی استفاده‌کنندگان به همه موارد آسان‌تر و سریع‌تر شود.

فرهنگستان از همه کسانی که با ملاحظه متن پیشنهادی اولیه درباره آن اظهار نظر کرده‌اند تشکر می‌کند و به‌ویژه از مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که نکته‌هایی در باب دستور خط فارسی متذکر شده‌اند سپاسگزار است.

همچنین از گروهی از استادان دانشگاه‌های اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی تهران، رشت، خمینی شهر و دهقان که نظر خود را بدون ذکر نام ارسال کرده‌اند و نیز از آقایان و خانمها دکتر محمد مهدی رکنی و دکتر مهدی مشکوة‌الدینی (از دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده (از دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر کنایون مزداپور و دکتر ایران کلباسی (از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علی اکبر ترابی (از دانشگاه صنعتی سهند تبریز)، دکتر بهروز ثروتیان و دکتر مصطفی ذاکری، دکتر رحمان مشتاق‌مهر (از دانشگاه تربیت معلّم تبریز)، دکتر مرتضی کاخی (از انتشارات امیرکبیر)، مهندس احمد منصوری (از انتشارات فرهنگان)، سر تیپ غلامرضا زندیان (از دفتر واژه‌گزینی نیروهای مسلح)، محمد رضا زرسنج (از آموزش و پرورش استان فارس)، علی شریفی (از دفتر مجلات و نشر شاهد)، علی مصریان و محمد رضا طاهرزاده و جاوید جهانشاهی و ناصر داور و عباس معارفی و بتول کرباسی و از استادان دکتر جلال متینی (مقیم ایالات متحده آمریکا)، دکتر کاظم ابهری (مقیم استرالیا) و سید مصطفی هاشمیان (مقیم بلژیک) که با ارسال نقد و نظر خود در تدوین این مجموعه سهمیه بوده‌اند تشکر می‌کند.

فرهنگستان در تدوین این مجموعه و امداد همه کسانی است که در دهه‌های گذشته و سالهای اخیر در این باب تلاش کرده‌اند و مخصوصاً از استادان احمد سمیعی و ابوالحسن نجفی، اعضای پیوسته فرهنگستان، که در تألیف این دفتر سهمیه عمده برعهده داشته‌اند تشکر می‌کند. از آقای دکتر حسین داودی و خانم زهرا زندی مقدم نیز که در تکمیل و تنظیم این

مجموعه تلاش کرده‌اند سپاسگزار است و یاد استادان درگذشته مرحوم دکتر مصطفی مقرّبی و مرحوم دکتر جعفر شعار را گرامی می‌دارد.*
امید است انتشار «دستور خط فارسی» انتظار همه کسانی را که خواهان آیینمندی و انضباط بیشتر خط فارسی اند برآورد و گامی در راه استواری پایه‌های زبان و خط فارسی محسوب شود.

غلامعلی حدّاد عادل

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

قواعد کلی

۱. حفظ چهره خط فارسی

از آنجا که خط در تأمین و حفظ پیوستگی فرهنگی نقش اساسی دارد، نباید شیوه‌ای برگزید که چهره خط فارسی به صورتی تغییر کند که مشابهت خود را با آنچه در ذخایر فرهنگی زبان فارسی به جا مانده است به کلی از دست بدهد و در نتیجه متون کهن برای نسل کنونی نامأنوس گردد و نسلهای بعد در استفاده از متون خطی و چاپی قدیم دچار مشکل جدی شوند و به آموزش جداگانه محتاج باشند.

۲. حفظ استقلال خط

خط فارسی نباید تابع خطوط دیگر باشد و لزوماً و همواره از خط عربی تبعیت کند. البته در نقل آیات و عبارات قرآن کریم، رسم الخط قرآنی رعایت خواهد شد.

۳. تطابق مکتوب و ملفوظ

کوشش می‌شود که مکتوب، تا آنجا که خصوصیات خط فارسی راه دهد، با ملفوظ مطابقت داشته باشد.

* از آقایان دکتر حسین واتق (از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، حسین موثق (از دانشگاه صنعتی اصفهان)، موسی صدیقی (از وزارت ارشاد)، مهدی میرجایی، صالح آزاده‌دل و م. ی. فطبی که با اظهار نظر کلی در باب خط فارسی فرهنگستان را یاری کرده‌اند سپاسگزاری می‌شود.

۴. فراگیر بودن قاعده

کوشش می‌شود که قواعد املا به گونه‌ای تدوین شود که استثنا در آن راه نیابد، مگر آنکه استثنا خود قانونمند باشد و یا استثناها فهرست محدود تشکیل دهد.

۵. سهولت نوشتن و خواندن

قاعده باید به گونه‌ای تنظیم شود که پیروی از آن کار نوشتن و خواندن را آسان‌تر سازد، یعنی تا آنجا که ممکن است، رعایت قواعد وابسته به معنا و قرینه نباشد.

۶. سهولت آموزش قواعد

قواعد باید به صورتی تنظیم شود که آموختن و به کار بردن آنها تا حد امکان برای عامه باسوادان آسان باشد.

ویژگیهای خط فارسی

خط فارسی دارای ویژگیهایی است. این ویژگیها و مثالهای هریک در زیر مشخص شده است:

- الف) برای بعضی از صداها بیش از یک علامت وجود دارد:^۱
- ت (در تار، چتر، دست، سوت)، ط (در طاهر، خطر، ضبط، شرط)؛
- ز (در زن، بزم، تیز، باز)، ذ (در ذرت، غذا، کاغذ، نفوذ)، ض (در ضرب، حضرت، تبعیض، فرض)، ظ (در ظاهر، نظر، حفظ، حفاظ)؛
- ث (در ثبت، مثل، عبث، حادث)، س (در سبد، پسر، نفس، خروس)، ص (در صبر، نصر، تفحص، حرص)؛
- غ (در غالب، مغز، تیغ، باغ)، ق (در قالب، فقیر، حلق، برق)؛
- همزه (در اسم، اسب، آرد، مأخذ، قرآن، رأس، یأس، رؤیا، لؤم، رئیس، لئیم، متلائی، جزء)، ع (در علم، رعد، وضع)؛
- ح (در حاکم، سحر، شبح، روح)، ه (در هاشم، شهر، فقیه، دانشگاه)

۷. فاصله‌گذاری و مرزبندی کلمات برای حفظ استقلال کلمه و درست‌خوانی

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب^۱، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود. در نوشته‌های فارسی دونوع فاصله وجود دارد: یکی فاصله «برون‌کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود» (این فاصله در ماشین تحریر و رایانه «فاصله یک حرفی» خوانده می‌شود) و دیگری فاصله «درون کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروف منفصل می‌گذارند: ورود، آزادمرد، خردورزی، پردرآمد (این فاصله در تداول نیم فاصله خوانده می‌شود). رعایت این نیم فاصله به ویژه در دست‌نوشته‌ها دشوار است و از این رو اختیاری است و می‌توان ابهام تلفظی را در ترکیبهایی مانند خردورزی با حرکت‌گذاری برطرف کرد.

۱. مرکب یا ترکیب به معنای اعم کلمه گرفته شده است و شامل کلمه‌هایی مانند کتابخانه، داروخانه، گلاب، دانشجو، دانش‌پرور، خردورزی، توهم‌زا، غذاخوری، همدلی، ارجمند، بررسی، بازگویی، کتابچه، دفترچه می‌شود.

۱. آنچه درباره تلفظ حروف در اینجا آمده مطابق با زبان معیار رایج در تهران است. در نواحی مختلف ایران میان تلفظ بعضی از حروف فرق می‌گذارند که در اینجا نیازی به ذکر آن نیست.

— (در اسم و نامه)

ے (در اسب و نه)

ے (در بُلند و رُوز)

ب) بعضی حروف نماینده بیش از یک صدا هستند:

و مثل دو (عدد)، چو

مور، روز، لیمو، دارو

وام، جواب، روان، ناو، لغو

جوشن، روشن، نو، رهرو

خواهر، خویش

ی مثل یار، پیدا، نای

میز، ریز، بری

موسی، حتی، علی رغم

ه مثل هوا، مهر، مشابه، دانشگاه

نامه، دره

ج) «و»، اگر پس از «خ» قرار گیرد، گاهی خوانده نمی شود، چنانکه در واژه های

زیر:

خوان، خویش، خواهر

این «و» که آن را «واو معدوله» می گویند، در قدیم تلفظ خاصی داشته است که

امروزه دیگر متداول نیست.

د) مصوتهای ے، ے، ے معمولاً در خط منعکس نمی شود و به همین سبب،

بسیاری از کلمات با املای مشابه، تلفظ و معنای متفاوت دارند:

برد: بُرد، بُرد، بُرد، بُرد

در بیشتر موارد، از سیاق عبارت یا معنای جمله باید تلفظ مورد نظر را حدس

زد:

برد (بُرد) این تفنگ ۱۰۰۰ متر است.

این کارد خوب نمی برد (بُرد).

در فصل ربیع... که صولت برد (بُرد) آرمیده بود و او آن دولت وُزد رسیده

(سعدی)

در بعضی موارد، به کار نگرفتن نشانه این مصوتهای در خط باعث ابهام یا اشتباه

می شود، به خصوص در مواردی مثل اعلام و کلمات دخیل فرنگی و لغات

مہجور که تلفظ صحیح آنها برای عامه خوانندگان روشن نیست. در چنین

مواردی صورت نوشتاری حتماً باید بسیار روشن و خوانا و با حرکت گذاری

باشد:

سازنر (sartre)، بکت (Beckett)، کینت (Kenneth)، سیر / سیر / سیر؛ دیر / دیر؛

عبید / عبید.

ه) در خط فارسی غالباً یک حرف به دو یا چند صورت نوشته می شود و این

بستگی به جایگاه آن حرف در کلمه دارد:

ء / ؤ / اُ

ب / ب / ب / ب / پ / پ / پ / ت / ت / ت

ج / ج / ج / ج / چ / چ / چ / ح / ح / ح / خ / خ / خ

س / س / س / س / ش / ش / ش / ش

ص / ص / ص / ص / ض / ض / ض / ض

ع / ع / ع / ع / غ / غ / غ / غ

ذ / ذ / ذ / ذ / ق / ق / ق / ق

ک / ک / ک / ک / گ / گ / گ / گ

ل / ل / ل / ل

م / م / م / م

ن / ن / ن / ن

ه/هـ/هـ

ی/یه/ی

(و) حروف فارسی دو دسته است:

۱. منفصل (پیوندناپذیر) که به حرف بعد از خود نمی چسبد (ا، د، ذ، ر، ز، ژ، و).

۲. متصل (پیوندپذیر) که به حرف بعد از خود می چسبد.

(ز) علاوه بر حروف، در خط فارسی نشانه‌های دیگری به شرح زیر وجود دارد:

۱. حرکات یا مصوّتهای کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ)، مانند پَر، پُر، پُز

۲. مَد (ـِ) روی الف، مانند آرد، مأخذ

۳. تشدید (ـِ) ، مانند عَدّه، پَلّه، بَقّالی، اَرّه

۴. سکون (ْ)، مانند لُب تشنه

۵. یای کوتاه (ِ)، مانند نامه من

۶. تنوین (ـً، ـٍ، ـٌ)، مانند ظاهراً، بعبارة آخری، مضاف الیه

(ح) در املائی کلمات و ترکیبات و عبارات عربی، که عیناً وارد زبان فارسی شده

است، در بعضی موارد، قواعد املائی عربی رعایت می شود:

موسی، بالقوّه، خَلْقُ السَّاعَةِ، حتّی، الی

(ط) دو حرف «و» و «ه» گاهی برای بیان حرکت به کار می رود.

و اگر برای بیان حرکتِ ماقبلِ خود به کار رود سه نوع است:

۱. مصوّت کوتاه، مانند دو، تو، چو

۲. مصوّت مرکب، مانند اوج، گوهر، روشن، نو (مثلاً در نوروز)

۳. مصوّت بلند، مانند مور، روز، موش، سیو، لیمو، تکاپو

ه/هـ برای بیان حرکتِ (ـِ) و ندرتاً (ـَ) به کار می رود:

شماره، نامه، خانه، نه

(ی) در خط فارسی دودسته نشانه به کار می رود: ۱. نشانه‌های اصلی ۲. نشانه‌های ثانوی.

نشانه‌های اصلی مرکب از ۳۴ نشانه است که به آنها حروف الفبا می گوئیم.

بعضی از حروف به تنهایی نماینده بیش از یک صداست (مانند «و») و بعضی

دیگر مجموعاً نماینده یک صدا (مانند ث، س، ص).

نشانه‌های ثانوی مرکب از ۹ نشانه است که در بالا یا پایین نشانه‌های اصلی

قرار می گیرد و در هنگام ضرورت به کار می رود.

فهرست کامل نشانه‌های خط فارسی، همراه با مثال، در صفحات بعد در

ضمن دو جدول آمده است. یادآوری می شود که این حروف برای خط چاپی

است. الفبای خط تحریری و نستعلیق تنوع بیشتری دارد.

جدول ۱. نشانه‌های خط فارسی
نشانه‌های اصلی

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
	نام نشانه	که نقطه به حرف قبل و	که هم به حرف قبل و	که نقطه به حرف قبل و	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۱	همزه	ه	ه	ه، و، ی	ه، ا
	رئیس، رئالیسم	لثیم	مأخذ، مؤمن، متلائی	جزء، رأس	
۲	آ	-	-	ا، آ	آب، دارا
۳	الف	-	-	ا	اسب، خانه‌ای
۴	ب	ب	ب	ب، شب	آب
۵	پ	پ	پ	پ، سپاه	توپ
۶	ت	ت	ت	ت، دست	دوات
۷	ث	ث	ث	ث، باعث	ارث

※ الف کوتاه (۱) روی «ی» در کلمه‌هایی چون حتی، الی، موسی عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

※ نشانه نوشتاری «ة/ه» در کلمه‌هایی چون صلوة، دایرةالمعارف، بقیةالله، سریع‌الحركة عیناً از عربی وارد خط فارسی شده است.

شماره	نام نشانه	اَوَّل	وسط	آخر	تنها
	نام نشانه	که نقطه به حرف بعد	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد پیچید	که نقطه به حرف قبل و پیچید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد پیچید
۸	جیم	ج	ج	ج، رنج	ج، موج
۹	چ	چ	چ	چ، پامچال	چ، بروج
۱۰	ح	ح	ح	ح، محل	ح، روح
۱۱	خ	خ	خ	خ، ناخن	خ، شاخ
۱۲	دال	-	-	د	دست، آدم
۱۳	ذال	-	-	ذ	ذرت، نفوذ
۱۴	ر	-	-	ر	رنگ، سوار
۱۵	ز	-	-	ز	زنگ، نیاز
۱۶	ژ	-	-	ژ	ژاله، دژ
۱۷	سین	س	س	س، مس	داس
۱۸	شین	ش	ش	ش، کشتی	ش، هوش
۱۹	صاد	ص	ص	ص، صابون، اصیل	ص، خاص

شماره	نام	اَوَّل	وسط	آخِر	تنها
	که فقط به حرف بعد بجسید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد بجسید	که فقط به حرف قبل بجسید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد بجسید	
۲۰	ضاد	ضه	ضه	ضض	ضض فرض
۲۱	طا	طه	طه	طط	طط افراط
۲۲	ظا	ظه	ظه	ظظ	ظظ حفاظ
۲۳	عین	عه	عه	عه	عه شجاع
۲۴	غین	غه	غه	غه	غه باغ
۲۵	ف	فه	فه	فف	فف برف
۲۶	فان	فه	فه	فه	فه ساق
۲۷	کاف	که	که	که	که باک
۲۸	گاف	گه	گه	گه	گه بزرگ
۲۹	لام	له	له	له	له دل
۳۰	میم	مه	مه	مه	مه نام
۳۱	نون	نه	نه	نه	نه زمان

شماره	نام	اَوَّل	وسط	آخِر	تنها
	که فقط به حرف بعد بجسید	که هم به حرف قبل و هم به حرف بعد بجسید	که فقط به حرف قبل بجسید	که نه به حرف قبل و نه به حرف بعد بجسید	
۳۲	واو	-	-	و	و راهر و، دار و، ناو
۳۳	ه	هه	هه	هه	هه کوه، روزه
۳۴	ی	یه	یه	یه	یه بازی، خوی

جدول ۲. نشانه‌های خط فارسی

نشانه‌های ثانوی

شماره	نام نشانه	علامت	مثال
۱	زیر (فتحه)	ـَ	گَرما، دَرِجات
۲	پیش (ضمه)	ـِ	گَندم، عُبُور
۳	زیر (کسره)	ـِـ	بَگاه، فَرستادن
۴	سکون (جزم)	ـْ	دَل، گِرَهِ
۵	تشدید	ـُـ	مَعْلَم، حَقِّ مطلب
۶	بای کوتاه روی‌های غیر ملفوظ	ـُـ	نامهُ من
۷	تنوین نصب	أ، اُ، ؤ	ظاهراً، واقعاً، بناءً علی هذا
۸	تنوین رفع	ـِـ	مُضافُ الیه
۹	تنوین جرّ	ـِـ	بعبارةٔ اُخری

املائی بعضی از واژه‌ها و پیشوندها و پسوندها

ای (حرف ندا) همیشه جدا از منادا نوشته می‌شود:

ای خدا، ای که

این، آن جدا از جزء و کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:

استثنا: آنچه، آنکه، اینکه، اینها، آنها، اینجا، آنجا، وانگهی

همین، همان همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:

همین خانه، همین جا، همان کتاب، همان جا

هیچ همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:

هیچ یک، هیچ کدام، هیچ کس

چه جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

چه جدا از کلمهٔ پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

آنچه، چنانچه

را در همه جا جدا از کلمهٔ پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا در معنای «برای چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش

منفی.

که جدا از کلمهٔ پیش از خود نوشته می‌شود:

تبره. استعمال نشانه‌های شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ الزامی نیست و این علائم را عمدتاً برای رفع ابهام به کار می‌برند.

چنانکه، آنکه (= آنکسی که)

استثنا؛ بلکه، آنکه، اینکه

این، حذف یا حفظِ همزهٔ این کلمه، وقتی که بین دو عَلم واقع شود، هر دو صحیح است:

حسین بن علی / حسین ابن علی؛ محمد بن زکریای رازی / محمد ابن

زکریای رازی؛ حسین بن عبدالله بن سینا / حسین ابن عبدالله ابن سینا

به در موارد زیر پیوسته نوشته می‌شود:

۱. هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید (همانکه اصطلاحاً «بای زینت» یا

«بای تأکید» خوانده می‌شود):

بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن (= گفتن)

۲. به صورتِ بدین، بدان، بدو، بدیشان^۱ به کار رود.

۳. هرگاه صفت بسازد:

بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام

به در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:

به برادرت گفتم، به سر بردن، به آواز بلند، به سختی، منزل به منزل،

به نام خدا

— هرگاه «بای زینت»، «نون نفی»، «میم نفی» بر سر افعالی که با الفِ مفتوح یا

مضموم آغاز می‌شوند (مانند انداختن، افتادن، افکندن) بیاید، «الف» در نوشتن حذف می‌شود:

بینداز، نیفتاد، میفکن

بی همیشه جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه

باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن نباشد:

بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا

می و همی همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:

می‌رود، می‌افکند، همی‌گوید

۱. گونهٔ قدیمی حرف اضافهٔ «به» فقط در کلمات بدین، بدان، بدو، بدیشان باقی مانده است.

هم همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. کلمه بسیط‌گونه باشد:

همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان

۲. جزء دوم تک‌هجایی باشد:

همدرس، همسنگ، همکار، همراه

۳. جزء دوم با مصوّت «آ» شروع شود، مگر هنگامی که همزه در ابتدای جزء

دوم تلفّظ شود:

همایش، همآورد، هماهنگ

هم‌آرزو، هم‌آرمان

تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می‌شود، جدا نوشته

می‌شود:

هم‌اسم، هم‌مرز، هم‌مسلك

تروترین همواره جدا از کلمهٔ پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

بهتر، مهتر، کهنتر، بیشتر، کمتر

ها (نشانهٔ جمع) همواره به کلمهٔ پیش از خود می‌چسبد، مانند کتابها، باغها،

چاهها، کوهها، گرهما، مگر هنگامی که:

۱. بخواهیم صورتِ مفرد کلمه را مشخص کنیم:

کتاب‌ها، درس‌ها، باغ‌ها

۲. کلمه به‌های غیر ملفوظ (بیان حرکت) و یا‌های ملفوظی که حرف قبل از آن

حرفِ متصل باشد، ختم شود:

میوه‌ها، خانه‌ها

سفیه‌ها، فقیه‌ها، پیه‌ها، به‌ها

مجموعه ام، ای، است،...

صورت‌های متصل فعل «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند)، به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختم به	صامت میانه‌ی	مثال
صامت منفصل	-	خشنودم خشنودی خشنود است
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رهر» به کار رفته است	-	خشنودیم خشنودید خشنودند
	-	رهریم رهریدی رهرید است
صامت متصل	-	رهریم رهرید رهرند
«و» با صدایی نظیر آنچه در «پاک» به کار رفته است	-	پاکم پاکیدی پاک است
	-	پاکیم پاکید پاکند
«آ»	«ای»	دانایم دانایی داناست*
«و» با صدایی نظیر آنچه در «دانشجو» به کار رفته است	«ای»	داناییم دانایید ^۱ دانایند
	«ای»	دانشجویم دانشجویی دانشجوست*
«و» با صدایی نظیر آنچه در «نو» به کار رفته است	همزه	دانشجویم دانشجوید دانشجویند
	همزه	نوام نوای / نوی نویست*
«ی» (های بیان حرکت)	همزه	نوابم (شماره) مترواید ^۲ نواند
	همزه	خسته‌ام خسته‌ای خسته‌است
«رای»	همزه	خسته‌ایم خسته‌اید خسته‌اند
	همزه	نیزی‌ام نیزی‌ای نیزی‌است
«ای»	همزه	نیزی‌ایم نیزی‌اید نیزی‌اند
	همزه	کاری‌ام کاری‌ای کاری‌است
		کاری‌ایم کاری‌اید کاری‌اند

ضمایر ملکی و مفعولی

ضمایر ملکی و مفعولی^۱ [م، ت، ش، مان (مان)، تان (تان)، شان (شان)]، در حالات شش‌گانه، همراه با واژه‌های پیش از خود به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

کلمات مختم به	صامت میانه‌ی	مثال
صامت منفصل	-	برادرم برادرت برادرش
صامت متصل	-	برادریان برادران برادرشان
	-	کتابم کتابت کتابش
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رهر» به کار رفته است	-	کتابیمان کتابیان کتابیشان
	-	رهریم رهروت رهروش
«آ»	«ای» ^۱	رهریمان رهروتان رهروشان
	«ای»	پایم پایت پایش
«و» با صدایی نظیر آنچه در «عمو» به کار رفته است	«ای»	پایمان پایتان پایشان
	«ای»	عمویم عموت عموش
«ی» (های بیان حرکت) پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	عمویمان عموتان عموشان
	همزه	خانام خانات خاناهش
«ای» پیش از ضمایر ملکی مفرد	همزه	خانمان خانتان خانیشان
	همزه	بی‌ام بی‌ات بی‌اش
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است	همزه	بی‌مان بی‌تان بی‌شان
	همزه	کشنی‌ام کشنی‌ات کشنی‌اش
«و» با صدایی نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است	همزه	کشنی‌مان کشنی‌تان کشنی‌شان
	همزه	رادیوام رادیوات رادیوایش
		رادیویمان رادیوتان رادیوشان

۱. در دستورهای اخیر، به جای اصطلاحانی نظیر «ضمیر ملکی» با «ضمیر مفعولی»، اصطلاح «ضمیر شخصی متصل» به کار می‌رود.
۲. این «ای» ممکن است در مواردی حذف شود. در تداول عامه «بابام» به جای «بابایم» گفته می‌شود. در ادبیات داستانی هم، زمانی که نویسنده زبان گفتار را ضبط می‌کند، وضع به همین منوال است. در شعر به ضرورت شعری این حذف صورت می‌گیرد، مثلاً استعمال «بازوت» به جای «بازویت» در این مصراع: «آفرین بر دست و بر بازوت باد».
۳. در محاوره، اصولاً همزه و مصوت آغازی حذف می‌شود، مثلاً گفته می‌شود «رادیوم خراب شد» و نه «رادیوام خراب شد».

* کلمه‌های ستاره‌دار در این جدول از قاعده مستثنا هستند.

۱. چنانچه کلمه‌ای مختم به مصوت باشد و جزء پس از آن نیز با مصوت آغاز شده باشد، می‌توان در فاصله میان دو مصوت از دو نوع صامت میانه‌ی (با ارزش یکسان) استفاده کرد: یکی صامت «ی» و دیگری صامت «همزه»؛ نظیر دانایید / دانایند؛ زیبایی / زیبایی؛ تنهایی / تنهایی؛ که در بعضی همزه غلبه دارد و در بعضی دیگر «ی» و از کلمه‌ای به کلمه دیگر فرق می‌کند. در اینجا، برای حفظ یکدستی و سهولت آموزش، صامت میانه‌ی «ی» انتخاب شده است.
۲. چون «نویاید» معنا ندارد، «مترواید» آورده شد.

بای نکره و مصدری و نسبی

بای نکره (همچنین بای مصدری و نسبی) در حالات گوناگون به صورتهای زیر نوشته می شود:

کلمات مختوم به	صامت میانجی	مثال
صامت منفصل	-	برادری
صامت متصل (او) با صدایی نظیر آنچه در «رهرو»	-	کنایی
به کار رفته است	-	رهروی
«ای» (های بیان حرکت) ^۱	همزه	خانه‌ای
«ای»	همزه	نیزی‌ای
«ای»	همزه	کشتی‌ای
(او) با صدایی نظیر آنچه در «رادبوی»		
به کار رفته است	«ای»	رادبویی
«آ»	«ای»	دانا‌یی
(او) با صدایی نظیر آنچه در «دانشجو»		
به کار رفته است	«ای»	دانشجویی

کسره اضافه

نشانه کسره اضافه در خط آورده نمی شود، مگر برای رفع ابهام در کلماتی که دشواری ایجاد می کند:

اسب سواری / اسب سواری

— کلماتی مانند رهرو، پرتو، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می آید، مانند «پرتوی آفتاب» و گاهی بدون آن، مانند «پرتو آفتاب». آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.

— برای کلمات مختوم به های بیان حرکت، در حالت مضاف، از علامت «ء» (ی کوتاه شده شبیه همزه) استفاده می شود:

خانه من، نامه او

— «ی»، در کلمه های عربی مختوم به «ی» (که «آ» تلفظ می شود)، در اضافه به کلمه بعد از خود، به «الف» تبدیل می شود:

عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کُبرای قیاس

۱. های بیان حرکت، در الحاق به «بای مصدری» حذف می شود و «گ» میانجی به جای آن می آید: بندگی. در چند کلمه، های بیان حرکت در الحاق به «بای نسبت» افتاده و «گ» میانجی اضافه شده است: «خانگی»، «همبستگی»، «هفتگی».

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت $\bar{a}$ / آ نوشته می شود:

مأخذ، لآلی، قرآن، مرآت

در بقیه موارد و در کلیه کلمات دخیل فرنگی با کرسی «ی» نوشته می شود:

لثام، رئالیست، قرائات، استثنائات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت،

لئون، مسئول، تئاتر، نشون^۱

استثنا: توأم

همزه پایانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد (مانند همزه میانی ماقبل مفتوح)، روی کرسی «ا» نوشته می شود:

خلا، ملا، مبدأ، منشأ، ملجأ

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد (مانند همزه میانی ماقبل مضموم)، روی کرسی «و» نوشته می شود:

لؤلؤ، تاللو

ج) اگر حرف پیش از آن مکسور باشد، روی کرسی «ی» نوشته می شود:

متلألئ^۲

د) اگر حرف پیش از آن ساکن یا یکی از مصوتهای بلند «آ» و «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می شود:

جزء، سوء، شیء، بطة، بطیء، سماء، ماء، املاء، انشاء^۳

نشانه همزه*

همزه میانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوت «ای» و «او» و «ـ» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود:

رائت، تأسف، تلالو، مانوس، شان

رئیس، لثیم، رئوف، مئوت، مظمن، مشمنز

تبصره: در کلمات عربی بر وزن «مُتَعَلِّل» نظیر متأثر، متأخر، متالم که در تداول، اولین فتحه آنها به کسره تبدیل شده، همان صورت عربی آن ملاک قرار گرفته است.

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود:

رؤیا، رؤسا، مؤسسه، مؤذن، مؤثر، مؤانست

شئون، رئوس

۱. کلمه هیدروژن گاهی ئیدروژن نوشته می شود که صحیح نیست.

۲. کلمه منشی در اصل مُنْشِی بوده است که در فارسی «ء» به «ی» بدل شده است.

۳. همزه پایانی بدون کرسی در کلمات انشاء، املاء، اعضاء، در فارسی، در اضافه به کلمه بعد از خود، غالباً حذف می شود و به جای آن «ی» میانجی می آید، مانند انشای خوب، اعضای بدن، ولی حفظ همزه آن هم صحیح است: انشاء خوب، اعضاء بدن.

* گاهی، خصوصاً در خوشنویسی، در زیر همزه پایانی «ء»، بدون اینکه به کلمه دیگری اضافه شده باشد، علامتی شبیه کسره می گذارند که صحیح نیست.

تبصره ۱: کلماتی مانند انشاء، املاء، اعضاء در فارسی بدون همزه پایانی هم نوشته می شود که صحیح است.

جدول ۳. راهنمای کتابت همزه

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
			«ا، آ»	«أ، اُ»
بُطء	اِئتلاف	تَلالُو	قرآن	بأس
بُطیء	ارائه	رؤسا	لالی	تأثیر
جزء	اسائه	رؤیا	مال	تأخر
سوء	استثنائات	رؤیت	مرآت	تأخیر
شیء	استثنائی	سؤال	مأخذ	تأدیب
ضوء	القائات	فؤاد	مأثر	تأذی
فیء	اورلشان	لؤلؤ	منشآت	تأشف
ماء	ایدئالیسم	لؤم	مآب	تأسیس
	بشائریس	مؤالفت	مآرب	تأکید
	بشر	مؤانست		تألف
	پرومتئوس	مؤتلف		تألیف
	پنگوئن	مؤتمن		تأمل
	تبرئه	مؤثر		تأمین
	نخطئه	مؤذب		تأنی
	تثاتر	مؤذی		تأنیث
	تئودور	مؤذن		تأویل
	توطئه	مؤسس		تغال
	جزئی	مؤسسه		تلالو
	سوئی	مؤکد		توأم

تبصره ۲: هرگاه همزه پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») و یا همزه پایانی ماقبل مضموم (با کرسی «و») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «ی» می گیرد و کرسی قبلی آن نیز حفظ می شود.

جزئی، شیئی، منشائی، مائی، لؤلؤئی

راهنمای کتابت همزه، در صفحات بعد، در جدول شماره ۳، ارائه شده است.

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
«ء»	«ئ، ے»	«ؤ، و»	«آ، اَ»	«أ، اُ»
	لثام، لثیم			متأمل
	لثون			متأهل
	لوثی			متلائی
	مائماتو			مستأصل
	مسائل			ملأ
	مستول			ملجأ
	مئوت			منشأ
	مرئوس			نبأ (قرآنی)
	مرئی			یأس
	مشمئر			
	نابلئون			
	نشئه			
	نشئت			
	نوتل			
	نئون			
	ویدئو			
	هیئت			

بدون کرسی	کرسی «ی»	کرسی «و»	کرسی «ا»	
«ء»	«ئ، ے»	«ؤ، و»	«آ، اَ»	«أ، اُ»
	جرئت	مؤلف		خلا
	دنائت	مؤمن		رأس
	دوتل	مؤنت		رأی
	رافائل	مؤؤل		سبأ (قرآنی)
	رئالیست	مؤید		شان
	رئالیسم			مأثور
	رئوس			مأجور
	رئوف			مأخذ
	رئیس			مأخوذ
	زؤئن			مأذون
	زئوفیزیک			مأکول
	سئانس			مألوف
	سؤول			مأمن
	سوئذ			مأمور
	سینات			مأنوس
	شائول			مأوا
	شئون			مأیوس
	قوائت			مبدأ
	قوائتات			متأثر
	کاکائو			متأخر
	کلئوپاترا			متأذی
	لائوس			متألم

«و» که در برخی از کلمه‌های عربی، مانند زکوة، حیوة، مشکوة، صلوة به صورت «آ» تلفظ می‌شود، در فارسی (جز در مواردی که رعایت رسم الخط قرآنی این‌گونه کلمات مورد نظر باشد) به صورت «الف» نوشته می‌شود.^۱

زکات، حیات، مشکات، صلات

تبصره: کلمه‌هایی مانند زکوة، مشکوة، صلوة (اگر به این صورت نوشته شده باشد)، در اضافه به «ی» نسبت یا وحدت، با «ا» و «ت» نوشته می‌شود:

زکاتی، مشکاتی، صلاتی، حیاتی

«الف کوتاه» همیشه به صورت «الف» نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱. الی، علی، حتی، اولی، اُولی

۲. اسمهای خاص:

عیسی، یحیی، مرتضی، مصطفی، موسی، مجتبی

تبصره: واژه‌هایی مانند اسمعیل، هرون، رحمن که در رسم الخط قرآنی به این صورت نوشته می‌شود در فارسی با «الف» نوشته می‌شود: اسماعیل، هارون، رحمان.

۳. ترکیباتی که عیناً از عربی گرفته شده است:

اعلام‌الهدی، بدرالدجی، طوسی‌لک، لائعدو لائخصی، سیدرة‌المُنتهی،

لائخصی (صیغه‌های فعلی)

— اسامی سوره‌های قرآن (مانند یس، طه، الم و...) به شکل مضبوط در قرآن نوشته می‌شود، اما در کلماتی مانند یاسین، آل طاه و... قاعده تطابق مکتوب و ملفوظ رعایت می‌شود.

۱. اسامی خاص در متون قدیم و نام خانوادگی اشخاص، اگر با املاي عربی ثبت شده باشد، به همان شکل حفظ می‌شود: مشکوة‌الدینی، حیوة‌الحیوان.

واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی

«ة» در واژه‌ها و ترکیبات و عبارات مأخوذ از عربی به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

۱. اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته می‌شود:

رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، برائت

استثنا: صلوة، مشکوة (آنجا که مراعات رسم الخط قرآنی این کلمات در نظر باشد).

۲. اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، برای نشان دادن حرکت ماقبل آن، به صورت

«ه/ة» (های بیان حرکت) نوشته می‌شود:

علاقه، معاینه، نظاره، مراقبه، آتیه

و در این حالت همه احکام متعلق به های بیان حرکت بر آن جاری است.

علاقه‌مند، نظرگان، معاینه بیمار، مراقبه‌ای

۳. در ترکیبات عربی رایج در فارسی، مانند کلمة الوداد، لیلۃ‌القدر، ثقة‌الاسلام،

خاتمة‌الامر، دایرة‌المعارف، معمولاً به صورت «ه/ة» نوشته می‌شود، اما

گاهی در بعضی از ترکیبات، مانند حجة‌الاسلام و آیت‌الله، به صورت «ت»

می‌آید که آن هم درست است.

مشارُالیه، مضافُالیه، منقولُ عنه، مختلفُ فیه، متفقُ علیهِ
بِعبارَةِ أُخری، اَباً عن جِدِّ، اِئِ نحو کَانَ

گذاشتن تشدید همیشه ضرورت ندارد مگر در جایی که موجب ابهام و التباس شود که یکی از مصادیق آن هم نگاشته‌است:

معین / معین؛ علی / علی؛ دوار / دوار؛ کُره / کُره؛ بنا / بنا
تبصره: در متون آموزشی برای نوآموزان و غیر فارسی زبانان و نیز در اسناد و متون رسمی دولتی، گذاشتن تشدید در همه موارد ضروری است.

حرکت‌گذاری تنها در حدی لازم است که احتمال بدخوانی داده شود:
عُرضه / عَرْضه؛ حَرْف / حَرْف؛ بُرد / بُرد؛ سِرچشمه / سِرچشمه

واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:

طاووس، لهاوور، کیکاووس، داوود
تبصره ۱: نوشتن «داود» با یک واو به تبعیت از رسم الخط قرآنی بلامانع است.
تبصره ۲: در مورد نام شخص، ضبط نهاده شده (مطابق شناسنامه) اختیار می‌شود:
کاوس، کاوسی

تنوین، تشدید، حرکت‌گذاری هجای میانی «-وو-»

آوردن تنوین (در صورتی که تلفظ شود) در نوشته‌های رسمی و نیز در متون آموزشی الزامی است. تنوین به صورتهای زیر نوشته می‌شود:

۱. تنوین نصب: در همه جا به صورت «أ / آ» نوشته می‌شود:

واقعاً، جزئاً، موقتاً، عجلتاً، نتیجتاً، مقدماً، طبیعتاً، عمداً، ابداً

تبصره ۱: کلمه‌های مختموم به همزه، مانند جزء، استثناء، ابتداء، هرگاه با تنوین نصب همراه باشد، همزه آنها روی کرسی «ی» می‌آید و تنوین روی «الف» بعد از آن قرار می‌گیرد: جزئاً، استثنائاً، ابتدائاً.

تبصره ۲: تاء عربی «ة / ه» اعم از آنکه در فارسی به صورت «ت» یا «ه» (های بیان حرکت) نوشته یا تلفظ شود، در تنوین نصب، بدل به «ت» کشیده می‌شود و علامت تنوین روی الفی که پس از «ت» می‌آید قرار می‌گیرد، مانند نتیجتاً، موقتاً، نسبتاً، مقدماً، حقیقتاً.

۲. تنوین رفع و تنوین جر: در همه جا به صورت «و» نوشته می‌شود و فقط در ترکیبات مأخوذ از عربی که در زبان فارسی رایج است به کار می‌رود:

۱. اگر بخواهیم بی‌تنوین خوانده شود: مطلقاً، اصلاً، ابداً.

استثنائاتی، ساخته می شود و احکام آن در «املائی بعضی از واژه ها و پیشوندها و پسوندها» (ص ۲۲ و ۲۳) آمده است.

۲. کلمات مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می شود همیشه پیوسته نوشته می شود، مگر هنگامی که:

الف) حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:

نظام مند، آب باز

ب) جزء اول آن عدد باشد:

پنج گانه، ده گانه، پانزده گانه

استثنا: بیستگانی (واحد پول)

تبصره: پسوند «وار» از حیث جدا و یا پیوسته نویسی تابع قاعده ای نیست، در بعضی کلمه ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می شود:

طوطی وار، فردوسی وار، طاووس وار، پری وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳. مرکبهایی که بسیط گونه است:

آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سیصد، هفتصد،

یکتا، بیستگانی

۴. جزء دوم با «آ» آغاز شود و تک هجایی باشد:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: جزء دوم، اگر با «آ» آغاز شود و بیش از یک هجا داشته باشد، از قاعده ای تبعیت نمی کند: گاهی پیوسته نوشته می شود، مانند دلاویز، پیشاهنگ، بسامد، و گاهی جدا، مانند دانش آموز، دل آگاه، زبان آور.

۵. هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مزج یا جابه جایی آوایی در داخل آنها روی داده باشد:

چنو، هشیار، ولنگاری، شاهسپرم، نستعلیق، سکنجبین

۶. مرکبی که دست کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد:

غمخوار، رنگرز، کهر با

ترکیبات*

در باب پیوسته نویسی و یا جدانویسی ترکیبات در زبان فارسی سه فرض قابل تصور است:

۱. تدوین قواعدی برای جدانویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد استثنا.

۲. تدوین قواعدی برای پیوسته نویسی همه کلمات مرکب و تعیین موارد

استثنا.

۳. تدوین قواعدی برای جدانویسی الزامی بعضی از کلمات مرکب و

پیوسته نویسی بعضی دیگر و دادن اختیار در خصوص سایر کلمات به نویسندگان.

فرهنگستان در تدوین و تصویب «دستور خط فارسی»، فرض سوم را برگزیده

و تنها موارد الزامی جدانویسی و یا پیوسته نویسی را به شرح زیر معین کرده

است:

الف) کلمات مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می شود:

۱. کلمات مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می شود همیشه جدا نوشته

می شود، مگر مرکبهایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم»، با رعایت

* در اینجا ترکیبات شامل مرکب و مشتق است و به معنایی اعم از معنای مورد نظر نویسندگان کتابهای دستور زبان به کار رفته است.

۷. مرکب‌هایی که جدانوشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند:^۱

بیمار (به یار)، بهروز (به روز)، بهنام (به نام)

۸. کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها تک‌هجایی باشد و به صورت رسمی یا نیمه‌رسمی، جنبه سازمانی و اداری و صنفی یافته باشد:

استاندار، بخشدار، کتابدار، قالیشو، آشپز

(ب) کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود:

۱. ترکیب‌های اضافی (شامل موصوف و صفت، و مضاف و مضاف‌الیه):

دست کم، شورای عالی، حاصل ضرب، صرف نظر، سیب زمینی، آب میوه،

آب لیمو

۲. جزء دوم با «الف» آغاز شود:

دل‌انگیز، عقب‌افتادگی، کم‌احساس

۳. حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم‌مخرج باشد:

آیین‌نامه، پاک‌کن، کم‌مصرف، چوب‌بری، چوب‌پرده

۴. مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر:

سنگین‌رنگین، پول‌مول، تک‌تک، حق‌حق

۵. مصدر مرکب و فعل مرکب:

سخن‌گفتن، نگاه‌داشتن، سخن‌گفتم، نگاه‌داشتم

۶. مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد:

خوش‌پُز، شیک‌پوش، پاگون‌دار

۷. عبارتهای عربی که شامل چند جزء باشد:

مع‌ذلک، من‌بعد، علی‌هذا، ان‌شاءالله، مع‌هذا، باری‌تعالی، حق‌تعالی،

علی‌ای‌حال

۱. ابن التباس بیشتر در بَ، کُ و کُه (صورت کُ بیشتر در قدیم و عمدتاً در شعر به کار رفته است) مشاهده می‌شود: بهساز، کهربا، کهکشان، کهگل، کهریز، کهسار.

تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» جایز است.

۸. یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد:

پنج‌تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، نه‌فلک، ده‌چرخه

تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر، با

هر دو املا صحیح است:

یک‌سویه / یک‌سویه؛ یک‌شبه / یک‌شبه؛ یک‌سره / یک‌سره؛ یک‌پارچه /

یک‌پارچه

۹. کلمه‌های مرکبی که جزء اول آنها به‌های بیان حرکت ختم شود (های بیان

حرکت در حکم حرف منفصل است):

بهاغه‌گیر، پایه‌دار، کناره‌گیر

تبصره: کلمه‌هایی مانند تشنگان، خفتگان، هفتگی، بجگی که در ترکیب، های

بیان حرکت آنها حذف شده و به جای آن «گی» میانجی آمده است، از این قاعده

مستثناست.

۱۰. کلمه با پیوسته‌نویسی، طولانی یا نامأنوس یا احياناً پردندانه شود:

عافیت‌طلبی، مصلحت‌بین، پاک‌ضمیر، حقیقت‌جو

۱۱. هرگاه یکی از اجزای کلمه مرکب دارای چندگونه مختوم به حرف

منفصل و حرف متصل باشد، چون جدانویسی گونه یا گونه‌های مختوم به حرف

منفصل اجباری است به تبع آن جدانویسی گونه یا گونه‌های دیگر نیز منطقی‌تر

است:

پابرهنه / پایی‌برهنه؛ پامال / پایی‌مال

۱۲. یک جزء کلمه مرکب صفت‌مفعولی (از جمله مرخم) یا صفت‌فاعلی (از

جمله مرخم) باشد:

اجل‌رسیده، دست‌دوز، اخلاص‌کننده، دست‌باف

۱۳. یک جزء آن اسم خاص باشد:

سعدی‌صفت، عیسی‌دم، عیسی‌رشته‌مریم‌بافته

۱۴. جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیاد داشته باشد:

نیک‌بخت، هفت‌پیکر، شاه‌نشین، سیه‌چشم

۱۵. هرگاه با پیوسته‌نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً ابهام معنایی

پدید آید:

پاک‌نام، پاک‌دامن، پاک‌رای، خوش‌بیاری

واژه‌هایی با چند صورت املائی

در فارسی کلماتی وجود دارد که دارای دو یا چند صورت املائی مضبوط است. مراد واژه‌هایی است که در کتابت آنها حروفِ هم‌وا (ا/ع؛ ت/ط؛ ث/س/ص؛ ح/ه؛ ذ/ز/ض/ظ؛ غ/ق) به کار رفته باشد. فهرست این واژه‌ها و ضبط پیشنهادی برای آنها، به تفکیک عام و خاص، به شرح زیر است:

فهرست واژه‌های دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

در این فهرست فقط واژه‌هایی درج شده است که دارای دو یا چند صورت املائی ضبط‌شده باشد و علاوه بر آن در زبان فارسی امروز به کار رود، یا واژه‌هایی چون نامهای گیاهان و جانوران و خوراکیها و داروها و نظایر آنها که کاربرد فراوان دارد.

واژه‌های مهجور یا متروک در فهرست نیامده است. این‌گونه واژه‌ها از هر متنی با ضبط همان متن نقل می‌شود.

در مواردی که ضبط کلمه یا اسمی (اعم از اسم شخص یا محل جغرافیایی) با ضبط مختار آن کلمه یا اسم متفاوت باشد، در متون تاریخی و قدیمی همان ضبط قدیم نوشته می‌شود.

در ضبط واژه‌ها، ضوابط زیر به ترتیب اولویت رعایت شده است:

— رواج ضبط: مثلاً صورتهای آذوقه، حوله، حلیم، تالار، قداره، قورباغه و... به همین اعتبار انتخاب شده است.

— در موارد نادر، بعضی ملاحظات تاریخی و همچنین پرهیز از افزایش تعداد واژه‌هایی که دارای املائی واحد اما به دو یا چند معنی است مورد نظر بوده است.

— عموماً ضبط کتابهای درسی، به ویژه دبستانی، ترجیح داده شده است.

— صورت املائی تازه، هر چند مرجح باشد، پیشنهاد نشده است.

صورتهای املائی*

ضبط مختار

آ/ا

آزوقه/ آذوقه

آروغ/ آروق

آقا/ آغا

آذوقه

آروغ

آقا

(کلمه «آقا» امروزه با حرف «ق» نوشته می‌شود، ولی این کلمه در قدیم گاهی لقب زنان بوده و با حرف «ع» به صورت «آغا» نوشته می‌شده است، مانند شادملک آغا، گلین آغا، و گاهی نیز با همین کثابت در مورد مردان به کار می‌رفته است، مانند آغامحمدخان و آغاباشا. در این موارد خاص، در خط فارسی امروز نیز همان ضبط قدیم رعایت می‌شود.)

اتاق

اتاق/ اطاق

اتو/ اطو

اتو/ اطو

* واژه‌هایی که حرف آغازی آنها دارای دو گونه نوشتاری است، برای سهولت مراجعه، فقط ذیل حرفی آورده شده که اگر می‌خواستیم آن کلمه را به فارسی سره بنویسیم با آن حرف می‌نوشتیم، به جز کلماتی که با دو حرف «ق» و «ع» آغاز می‌شود که ذیل حرف «ق» آورده شده است.

صورتهای املائی

ضبط مختار

اختاپوس/ اختاپوٹ

اختاپوس

اسطبل/ اصطلبل

اسطبل

اسطرلاب/ اصطرلاب

اسطرلاب

افستین/ افسنتین

افستین

آلم شنگه/ عَلم شنگه

آلم شنگه

امپراتور/ امپراطور

امپراتور

امپراتریس/ امپراطریس

امپراتریس

اتراق/ اطراق

اتراق

ب

باباغوری/ باباقوری

باباغوری

باتری/ باطری

باتری/ باطری

باتلاق/ باطلاق

باتلاق

باجناغ/ باجناق

باجناغ

بغچه/ بقچه

بغچه/ بقچه

بلغور/ بلقور

بلغور

بلیت/ بلیط

بلیت

پ

پاتوق/ باتوق

پاتوق

ت

تروق و توروق/ تاراغ و توروغ

تروق و توروق

تارم/ طارم

طارم

تنبور/ طنبور

تنبور

تاس/ طاس

طاس

تاس کباب/ طاس کباب

طاس کباب

صورت‌های املائی	ضبط مختار	صورت‌های املائی	ضبط مختار
تاغ / تاغ (نام درختچه)	تاغ	چ	ضبط مختار
تاغ / طاق	طاق	چارق / چارغ	چارق
تاغ / طاق (در مقابل جفت)	تاغ	چلغوز / چلقوز	چلغوز
تاقدیس / طاقدیس	طاقدیس	خ	
تالار / طالار	تالار	ختمی / خطمی (گل)	خطمی
تاؤل / طاؤل	تاؤل	د	
تایر / طایر (چرخ ماشین)	تایر	دوقلو / دوغلو	دوقلو
تباشیر / طباشیر	تباشیر	ز	
تبرخون / طبرخون	تبرخون / طبرخون	زغال / ذغال	زغال
تبرزد / طبرزد	تبرزد / طبرزد	س	
تبرزین / طبرزین	تبرزین	سوغات / سوقات	سوغات
تپانچه / طپانچه	تپانچه	غ	
تپیدن / طپیدن	تپیدن	غلطیدن / غلطیدن	غلطیدن
	(مشتقات آن نیز با «ت» نوشته می‌شود)		(همچنین مشتقات آن مثل «غلطان»، «غلتنک»، «بام غلطان»)
تبق / طبق / تبغ	تبق	ق	
تُتماج / ططماج (نام نوعی آش)	تُتماج	قانی / قاطی	قانی
تراز / طراز	تراز (= تراز آبی)	قاروقور / غاروغور	قاروقور
تراز / طراز	طراز (= نگار جامه)	قباد / عباد (نام ماهی)	قباد
	(همچنین در عبارتی مثل «طراز اول» به معنای «دارای مقام اول»)	قداره / غدّاره	قداره
	هم‌تراز و هم‌طراز هر دو صحیح است.		
ترخون / طرخون	ترخون		
ترقه / طرّقه	ترقه		
تشت / طشت	تشت / طشت		
تغار / طغار	تغار		
توبیقا / طوبیقا	طوبیقا		
توفان / طوفان	توفان / طوفان		

صورت‌های املائی	ضبط مختار
قدقد / غدغد	قدقد
قدغن / غدغن / غدغن	غدغن
قراقروت / قراقروط	قراقروت
قرتی / غرتی	قرتی
قرشمال / غرشمال	قرشمال
قُرُق / غُرُق	قرق
قرمه / غرمه / قورمه	قورمه
قروش / غروش	قروش
قَرَقان / قَزغان	قَرَقان
(گونه‌های دیگر: قازغان / قازقان، غزغن / قزغن)	
قشقرق / غشغرق	قشقرق
قشلاق / قشلاغ	قشلاق
(گونه‌های دیگر: قیشلاق / قیشلاغ)	
ققس / ققص	ققس
قُلُب / غُلُب	قُلُب
قلنبه / غلنبه	قلنبه
قلیان / غلیان	قلیان
قورباغه / غورباغه	قورباغه
قورت / غورت	قورت
قوطی / قوتی	قوطی
قیقاج / غیقاج	قیقاج
قیماق / قیماغ	قیماق
ل	
لاتاری / لاطاری	لاتاری
لق / لغ	لق
لق ولوق / لغ ولوغ	لق ولوق

صورت‌های املائی	ضبط مختار
لقلق / لغلغ	لقلق
لوطی / لوتی	لوطی
م	
ملات / ملاط	ملاط
ن	
ناسور / ناصور	ناسور
نسطوری / نستوری	نسطوری
نق / نغ	نق
نفت / نفط	نفت
نفتالین / نفتالین	نفتالین
و	
ورغُلُمیدن / ورقُلُمیدن	ورقُلُمیدن
وقوق / وغوغ	وغوغ
ه	
هلیم / حلیم	حلیم
هوله / حوله	حوله
هیز / حیز	هیز
ی	
یاتاقان / یاطاقان	یاتاقان
یالقوز / یالغوز	یالقوز
یُرَقه / یُرغه / یورقه / یورغه	یورغه
یُغور / یُغور	یُغور

فهرست اعلام دارای دو یا چند صورت املائی با ضبط مختار

صورت‌های املائی	ضبط مختار
آ/ا	
آغاخان/ آقاخان	آقاخان
آغاجری/ آقاجری	آغاجری
آلاداغ/ آلاداق	آلاداغ
اُترار/ اطرار	اُترار
اتریش/ اطریش	اتریش
استهبانات/ اسطهبانات/ اصطهبانات ^۱	اصطهبانات ^۱
استخر/ اسطخر/ اصطخر	استخر/ اسطخر
ایتالیا/ ایتالیا	ایتالیا ^۱
ایذه/ ایزه	ایذه

ب

باتوم/ باطوم	باطوم
بوذرجمهر/ بوذرجمهر	بوذرجمهر

پ

پترکیور/ پطرکیور	پترکیور
پترزبورگ/ پطرزبورگ	پترزبورگ

ت

تائیس/ طائیس	تائیس
تاب/ طاب	تاب
(نام رودی که از کهنکلبویه سرچشمه می‌گیرد)	

۱. وزارت کشور، در تقسیمات کشوری، «استهبان» را به جای «استهبانات» برگزیده است.

صورت‌های املائی	ضبط مختار
تارم/ طارم	طارم
تالش/ طالش	تالش/ طالش
تایباد/ طایباد	تایباد
تبرک/ طبرک	تبرک
تپور/ طپور	تپور
تخار/ طخار	تخار/ طخار
تخارستان/ طخارستان	تخارستان/ طخارستان
ترابلس/ طرابلس	طرابلس
ترشیز/ طرشیز	ترشیز
ترقبه/ طرقبه	ترقبه/ طرقبه*
تسوج/ طسوج	تسوج/ طسوج
توالش/ طوالش	توالش/ طوالش*
توس/ طوس	توس/ طوس*
توسی/ طوسی	طوسی

(طوسی وقتی اسم یا لقب باشد، مانند خواجه نصیرالدین طوسی، فردوسی طوسی، همیشه با «ط» می‌آید).

تهران/ طهران	تهران
تهماسب/ طهماسب	تهماسب/ طهماسب
تهمورث/ طهمورث	تهمورث/ طهمورث
تیسفون/ طیسفون	تیسفون

ج

جابلسا/ جابلسا	جابلسا
----------------	--------

خ

ختا/ خطا	ختا
----------	-----

* انتخاب وزارت کشور.

ضبط مختار

صورت‌های املائی

خاف

خواف / خاف

ز

زنون / ذنن

زنون

س

ساوجبلانق / ساوجبلان

ساوجبلان

سَنَد / صَنَد

سَنَد

سقلاب / صقلاب

سقلاب / صقلاب

ش

شبورغان / شبورقان

شبورغان

ع

عیسو / عیصو

عیسو

ق

قباد / غباد

قباد

قُرْلغ / قُرْلِق

قُرْلِق

قره آغاج / قره آقاج

قره آغاج

ک

کیقباد / کینقباد

کیقباد

ل

لوت / لوط (کوبر)

لوت

لوت / لوط (قوم)

لوط